فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۴۰۳- صفحات ۷۴-۴۹

بررسی تطبیقی مالکیت در قرآن و دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان

نوع مقاله: پژوهشی

سعیده علیزاده[۱]
مرتضی عزتی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۱۶

چکیده

اختیار تخصیص، یکی از حقوق مالکیت و متعلق به مالک است. باید تخصیص دهنده اختیار تخصیص داشته باشد تا بتواند دارایی را تخصیص دهد. با توجه به تعریف علم اقتصاد، مالکیت در دانش اقتصاد جایگاه ویژه‌ای دارد. مالکیت و حقوق آن در هر جامعه‌ای به ایدئولوژی حاکم در آن جامعه بستگی دارد. در دنیای امروز دو ایدئولوژی غالب مطرح است که یکی کمونیسم که لغو هرگونه مالکیت را می‌خواهد و شکل ملایم‌تر آن سوسیالیم که قایل به لغو مالکیت خصوصی و اشتراکی شدن مالکیت سرمایه و ابزار تولید است و دیگری سرمایه‌داری یا نظام آزادی در انواع مالکیت است که در دو دامنه حقوق مالکیت مطرح هستند. چارچوب‌های مطرح شده برای نظام‌های اقتصادی دیگر در دامنه این دو قرار می‌گیرند. در این زمینه دیدگاه‌هایی با نام اسلامی نیز مطرح شده است که برخی جای تامل دارند. اگر بخواهیم برداشت خاصی را نسبت به موضوع مالکیت با دیدگاه اسلامی پذیرش یا رد کنیم، ملاک پذیرش یا رد، باید قرآن باشد. از این‌رو در این مقاله کوشش شده است با استخراج آیات مرتبط با مالکیت در قرآن و بررسی تطبیقی میان آیات قرآن و دیدگاه-های سه اندیشمند مسلمان (محمدحسین بهشتی، مرتضی مطهری و محمدباقر صدر) موضوع مالکیت، بررسی و صورت‌بندی نظری شود. در این بررسی به این نتیجه می‌رسیم که در تمامی آیات قرآن مالکیت خصوصی تایید شده است و براساس آیاتی مانند ۱ و ۴۱ انفال مالکیت همگانی نیز برای برخی اموال تایید شده است که دولت مدیریت اینگونه اموال را برعهده خواهد داشت، اگرچه دولت مالک نیست.

کلید واژه: مالکیت، دولت، قرآن، اقتصاد اسلامی.
طبقه‌بندی JEL : P59,P48,J54,P41

۱ استادیار اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس(نویسنده مسئول) saeedeh.alizadeh@modares.ac.ir
۲ دانشیار اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس mezzati@modares.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

مقدمه

تعریف پذیرفته شده‌تر برای علم اقتصاد، آن را علم تخصیص منابع محدود به نیازهای نامحدود می-داند. لازمه تخصیص منابع، داشتن اختیار تخصیص آن است. اختیار تخصیص، یکی از حقوق مالکیت و معنای دیگری از مالکیت است. باید تخصیص دهنده اختیار تخصیص را داشته باشد تا بتواند دارایی را تخصیص دهد. اختیار تخصیص نیز متعلق به مالک است. از این جهت مالکیت و حقوق آن در دانش اقتصاد جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کنند. شکل‌های قابل قبول مالکیت و حقوق آن در هر جامعه‌ای مبتنی بر مبانی ایدئولوزیک آن جامعه و حقوق آن است. در این زمینه در دنیای امروز دو ایدئولوژی غالب وجود دارد که یکی کمونیسم که لغو هرگونه مالکیت را می‌خواهد و شکل ملایم‌تر آن سوسیالیم که قایل به لغو مالکیت خصوصی و اشتراکی شدن مالکیت سرمایه و ابزار تولید است و دیگری سرمایه‌داری یا نظام آزادی در انواع مالکیت است که در دو دامنه حقوق مالکیت مطرح هستند. چارچوب‌های نظام‌های اقتصادی در دامنه میان این دو تعریف شده است.

به‌طور کلی سازماندهی اقتصادی بر مبنای دو عنصر مالکیت و تخصیص منابع (و نقش دولت و سهم آن و نقش بازار در این دو عنصر) قابل استخراج است. این مهم بیان می‌کند که هر یک از نظام‌های اقتصادی جایگاه ویژه خود را برای مالکیت تعریف کرده‌اند. ساموئلسون (۱۹۸۷) جایگاه مالکیت در نظام اقتصادی سرمایه‌داری را با این تعریف بیان می‌کند که این نظام، اقتصادی است که در آن بیشتر اموال، دارایی‌ها و ابزار تولید (مانند زمین و سرمایه) در مالکیت خصوصی هستند و بازار همراه با دخالت بسیار اندک دولت به عنوان ابزار تخصیص منابع و ایجاد درآمد محسوب می‌شود. از سوی دیگر هیل برونر (۱۹۵۶) نظام‌شناس معروف دیگر تصریح می‌کند که نظام اقتصاد سرمایه‌داری، مجموعه‌ای از نهادها و اندیشه‌های کلیدی است که اصلی‌ترین نهادهای آن، بازار کنترل نشده و اساسی‌ترین اندیشه‌های آن، مشروعیت تملک خصوصی بر ابزار تولید است (دادگر، ۱۳۷۸، ۱۴۷).

در دیدگاه حاد کمونیستی هرگونه مالکیت لغو می‌شود. ولی این دیدگاه در عمل هیچگاه رخ نداده است. به جای آن در مقاطعی شکل‌هایی از اندیشه سوسیالیسم مالکیت دولتی به نام اشتراکی پیاده شده است. هیود (۱۳۹۰، ۲۰۵) موضع سوسیالیسم را نسبت به مالکیت اینگونه بیان می‌کند که در نظام سوسیالیستی جمع‌گرایی در مفهوم کلی به معنای تقدم ارزشی و اخلاقی تلاش مشترک بر تلاش شخصی یک فرد است. براین اساس منافع جمعی باید بر منافع فردی مرجح و مقدم دانسته شود. در این اندیشه خاستگاه رقابت و نابرابری را در نهاد مالکیت خصوصی (ثروت مولد یا سرمایه، نه دارایی‌های مصرفی مردم) ردیابی می‌کنند. در این اندیشه در نگاه نخست مالکیت خصوصی بر ابزار تولید ناعادلانه دانسته می‌شود و بر این باور است که تولید ثروت در اثر تلاش

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

جمعی و کار انسانی است و از این‌رو باید متعلق به اجتماع، نه فرد باشد. در اندیشه سوسیالیستی نگاه کلی این است که بیشتر فعالیت‌ها باید به صورت اجتماعی اداره شود و دولت به نمایندگی اجتماع اداره آنها را برعهده بگیرد. براین پایه مالکیت خصوصی سرمایه و ابزار تولید ممنوع شناخته شده است.

باوجود این دو دیدگاه اصلی، منابع متعددی وجود دارند که با ادعای ایدئولوژیک اسلامی، مالکیت را از دیدگاه اسلام متفاوت از این دو مطرح می‌کنند. بیشتر این منابع، ارایه دهنده دیدگاه-های اندیشمندان مسلمان است. بیشتر این اندیشمندان نیز اینگونه مطرح کرده‌اند که در دیدگاه اسلامی حقوق مالکیت در میان این دو دامنه قرار دارد. هر چند این دیدگاه‌ها با نام اسلامی ارایه شده‌اند، ولی به‌نظر می‌رسد با تامل بیشتر در این منابع و تطبیق آن با قران به نتیجه متفاوتی برسیم.

هرچند قرآن درپی تبیین ایدئولوژیک مساله مالکیت نبوده است، ولی می‌توان در قرآن نکته‌های پایه‌ای درباره شکل پذیرفته شده مالکیت را یافت. افزون بر قرآن، منابع مختلفی با عنوان دیدگاه اسلام به موضوع پرداخته‌اند. از جمله می‌توان به نوشته‌های برخی اقتصاددانان و اندیشمندان مسلمان و مستندات فقهی اشاره کرد. نکته‌ای که با نگاه اولیه به این منابع به‌دست می‌آید این است که اینها با هم اختلاف دارند. هدف از انجام این بررسی بیان دوباره موضوع مالکیت نیست، بلکه نگاهی دوباره به ابعاد مالکیت در قرآن و بررسی و تعیین تفاوت‌های دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان با دیدگاه قابل برداشت از قرآن است.

برای این بررسی، پس از نگاهی به پیشینه مالکیت در قران و اشاره به روش بررسی، ۵ بعد مالکیت از نگاه سه اندیشمند مسلمان (بهشتی، مطهری و صدر) استخراج و ارایه می‌شود. سپس این ابعاد مالکیت از قرآن استخراج می‌شود. آنگاه در یک تحلیل تطبیقی، ابعاد مالکیت از دیدگاه این اندیشمندان با چارچوب برداشتی از آیات قرآن مقایسه می‌شود تا انطباق یا اختلاف آنها روشن شود و بتوان جمع‌بندی پایانی را ارایه کرد.

۲. پیشینه

نوشته‌های بسیاری درباره مالکیت با برداشت‌هایی به نام قرآن یا اسلام منتشر شده است. از میان نوشته‌های گسترده، تنها تعداد اندکی به تمرکز در قرآن پرداخته‌اند. برخی بررسی‌ها به موضوع‌های کلی اقتصاد در اسلام، نظام اقتصادی اسلامی و مانند اینها پرداخته‌اند و در بخشی از مطالب به مالکیت در اسلام اشاره کرده‌اند. از این دسته بررسی‌ها می‌توان به نمازی (۱۳۷۴، ۲۲۶-۲۳۱)، تسخیری (۱۳۶۸،۲۱۷-۲۲۸)، بیات (۱۳۶۹، ۹۵-۱۳۷)، میرمعزی (۱۳۹۰، ۳۰۷-۳۳۷)، سبحانی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

(۱۳۷۳، ۳۰-۳۸ و ۹۲-۹۵)، صدر (۱۳۵۷، ۶۱-۳۴۷)، مطهری (۱۳۶۸، ۴۵-۹۲) و بهشتی (۱۳۷۳، ۱۳-۴۸) اشاره کرد.

دسته‌ای نیز به صورت متمرکز به موضوع مالکیت یا بعدی از مالکیت در اسلام پرداخته‌اند. این دسته کمتر هستند. می‌توان از اینها به احمدی میانجی (۱۳۸۲)، خان و سعید (۱۳۹۴)، خامنه‌ای (۱۳۷۵) و اعتصامی (۱۳۷۳) اشاره کرد.

دسته سوم به موضوع مالکیت در قرآن پرداخته‌اند. برخی تنها موضوع مالکیت در قرآن را مطرح کرده‌اند و برخی نیز در بخشی از بحث اقتصاد در قرآن به مالکیت در قرآن پرداخته‌اند. برخی از این مطالعات به همه ابعاد موضوع (تعریف مالکیت، علت یا منشا مالکیت، انواع مالکیت، حدود مالکیت و حدود اختیارات دولت) و برخی فقط به یک یا چند بعد از بحث مالکیت در قرآن پرداخته‌اند. در ادامه نگاهی گذرا به ابعاد موضوع مالکیت در این بررسی‌ها می‌شود.

طالقانی (۱۳۴۴، ۱۵۱-۱۴۴) به بررسی اسلام و مالکیت در مقایسه با نظام‌های اقتصادی غرب پرداخته است. وی به تعریف و معرفی مالکیت و حدود آن می‌پردازد. در معرفی موضوع مالکیت، براساس آیاتی از قرآن کریم (آل عمران، ۲۶)، (حج، ۶۴)، (فاطر، ۳۹)، (حدید، ۷)، (نور، ۳۳)، (انعام، ۹۴)، (اعراف، ۷۳) و (هود، ۶۴)، مالکیت را محدود، مقید، عاریتی و تفویضی بیان می‌کند و در این راستا حدود مالکیت و روابط اقتصادی را براساس افراد، احکام و حکومت ترسیم و تنظیم می‌کند. از دیدگاه او اصول و احکام کلی مالکیت در قران مطابق فطرت و واقع است، مالکیت خصوصی و عمومی پذیرفته شده است و افراد آزاد و مستقل هستند و در استفاده از استعداد و مواهب نفسی که انگیزه آن احتیاجات مادی است محدود و مسلوب الاختیار نیستند، ولی آزادی اقتصادی به مصالح عمومی محدود و متوقف می‌گردد. به‌گونه‌ای که نه تمرکز ثروت و استثمار پیش می‌آید و نه طبقه ممتاز و مختاری نشان دهد.

طباطبایی (۱۳۶۳، ج ۲، ص ۷۴) در تفسیر المیزان در ارتباط با انواع پذیرفته شده مالکیت در قرآن می‌نویسد بشر از اولین روزی که در روی زمین زندگی و سکونت کرده است تا آنجا که تاریخ نشان می‌دهد اصل مالکیت خصوصی را به رسمیت شناخته است و این اصل در قرآن کریم در بیش از صد مورد به لفظ ملک و مال یا لام ملک یا جانشینی افرادی در تصرف اموال افراد دیگر تعبیر شده است. در واقع قرآن کریم با معتبر شمردن لوازم مالکیت شخصی این نوع مالکیت را امضا فرموده برای مثال یکی از لوازم مالکیت صحت در خرید و فروش است و اسلام فرموده است "احل الله البیع". وی بیان می‌کند ادراکات اعتباری تایید کننده اصل مالکیت با محوریت مالکیت خصوصی در قرآن کریم است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

هادوی‌نیا (۱۳۸۲، صص ۳۵-۱۳) در بررسی ابعاد مالکیت در قرآن، مالکیت را رابطه‌ای خاص بین مالک و ملک تعریف می‌کند که نشان دهنده امکان تصرف مالک در ملک باشد. این بررسی براساس آیات ۱۴ و ۹۲ آل عمران، ص:۳۲، فجر:۲۰، عادیات:۸، عوامل فطری, عقلی و اجتماعی را اساس مالکیت اعتباری معرفی می‌کند، همچنین ساختار پذیرفته شده مالکیت در قرآن را مالکیت مختلط می‌داند و سه نوع مالکیت خصوصی (نسا:۵-۱۰-۲۹، بقره:۲۷۹ و حدید:۵۷)، دولتی (انفال: ۱ و ۴۱) و عمومی را در قرآن تایید می‌کند. در این بررسی حدود مالکیت خصوصی رشد و بلوغ عقلی (سفیه، یتیم و کودکان)، اسباب و اشیا ممنوع مالکیت از جمله قمار، خمر و حرمت اسراف و تبذیر عنوان می‌شود. همچنین حدود دخالت دولت در امور اقتصادی را دو محور رشد و توسعه اقتصادی و توزیع برابر ثروت و عدالت می‌داند.

نادری شاهی و دیگران (۱۴۰۲، صص ۹۳-۸۵) در بررسی مالکیت در قرآن با رویکرد بسته‌های حقوق مالکیت بر اساس تفسیر المیزان، به سه بعد مالکیت (تعریف مالکیت، انواع مالکیت و حدود مالکیت) براساس آیات قرآن پرداخته‌اند. نتیجه این بررسی آن است که در تعریف مالکیت، مالکیت را رابطه‌ای بین فرد و مال معرفی می‌کنند که فرد امکان تصرف مال را داشته باشد. قرآن کریم به-طور کلی حقوق مختلف مالکیت را می‌پذیرد، ولی قیدهایی بر قراردادهایی که منجر به انتقال مالکیت می‌شود با استفاده‌های خاص از مایملک می‌گذارد. درباره حدود مالکیت خصوصی، هر قراردادی منجر به انتقال مالکیت نمی‌شود و باید براساس رضایت باشد یا قرارداد ربا باعث انتقال مالکیت سود به رباخوار نمی‌شود. همچنین مالک حق ندارد مال خود را اسراف و تبذیر کند. نکته دیگر اصالت و اولویت جامعه برفرد در رعایت این حقوق است. مثال آن اینکه در قران حقوق مالکیت محجور، یتیم، سفیه و مانند اینها که توانایی مدیریت مال خود را ندارند، سلب و با شرایط مشخصی به فرد دیگری اعطا می‌شود. البته باید این نکته را یادآور شد که فرد مسئول یا ولی، دارای برخی از حقوق مالکیت است، ولی مالک نیست.

موسوی اصفهانی (۱۳۶۸، ۲۸۲-۲۳۱) به پیام‌های اقتصادی قرآن را مطرح کرده است. در این پژوهش دو محور موضوعی مالکیت (انواع مالکیت و محدودیت های مالکیت) بررسی شده است. مالکیت در مورد خداوند از سنخ مالکیت دیگران نیست. زیرا مالکیت‌هایی که مورد بحث در اقتصاد است مالکیت وضعی و قراردادی است، ولی مالکیت درباره خداوند، عینی، حقیقی و تکوینی است. انواع مالکیت اعتباری در قرآن، مالکیت امّت، مباحات عامه، مالکیت دولت و مالکیت خصوصی است و مالکیت خصوصی به سه دسته مالکیت شخصی، مالکیت جهت و مالکیت جمع (شرکت مشاع) تقسیم شده است. در قران محدودیت‌هایی مانند محدودیت ناشی از جنگ، ناشی از انحصار طلبی،

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

ناشی از عدم توازن اجتماعی، ابطال مالکیت ناشی از ارتداد، ناشی از وفات و محدودیت در تملک (مشروبات الکی، قمار و ...) بر مالکیت خصوصی قرار داده شده است.

دهش‌ور و دیگران (۱۳۶۶، ۱۳۵-۱۰۹) در بررسی طرح و مبانی اقتصاد در قرآن به بررسی انواع مالکیت بر اساس آیات قرآن پرداخته‌اند. این پژوهش با بررسی آیات قرآن کریم (بقره، ۱۰۷-۱۱۶-۲۵۵-۱۶۴، آل عمران، ۱۰۹-۱۲۹-۱۸۰-۱۸۹، نساء، ۹۷، ۱۲۶، ۱۳۲، ۱۷۰، ۱۷۱ و مانند اینها)، نخست این مساله را بیان کرده است که مالک حقیقی، خداوند متعال است. در این آیه‌ها به این موضوع اشاره شده است که مالکیت حقیقی متعلق به خداوند است. در ادامه با بررسی آیات (بقره، ۲۲- ۲۹- ۲۶- ۵۷- ۱۶۴- ۱۶۸- ۱۷۳، مائده، ۸۸، انعام، ۱۴۲-۱۴۱، اعراف، ۲۴-۱۰، انفال، ۱۱-۱۲ و همچون اینها) به اثبات مالکیت عمومی در قرآن پرداخته شده و با استناد به آیه اول سوره انفال و آیه ششم سوره حشر مالکیت دولتی در قرآن مورد تایید قرار گرفته است. همچنین در این بررسی با استناد به آیه ۲۸ سوره رم و تفسیر آن به مالکیت خصوصی اشاره شده است. درنهایت می‌توان گفت این بررسی سه نوع مالکیت خصوصی، دولتی و عمومی را پذیرفته است.

ابراهیمی (۱۳۷۵، ۵۷-۵۶) به اقتصاد در قرآن، تولید، توزیع، مصرف و رشد پرداخته است. محور این بررسی مالکیت در قرآن و محدودیت‌های مطرح شده درباره آن است. برابر آیه ۶۱ سوره مبارکه نور در اسلام مالکیت خصوصی محترم شمرده شده است و تجاوز به اموال دیگران بدون اجازه مالک، نیز ناروا دانسته شده است. اصل مالکیت خصوصی در قرآن کریم مسلم دانسته شده و برمبنای آیه ۲۹ سوره نساء محدودیت‌هایی روی این اصل توضیح داده شده است. در جای دیگر گفته شده است که باید تجارت و معاملات با رضایت خریدار و فروشنده باشد. در فعالیت‌ها حرام نیز اگر رضایت طرفین موجود باشد، بازهم خرید و فروش ممنوع است (ربا و کالاهای ممنوع و . . .). اینها به عنوان نمونه‌ای از محدودیت‌ها بر مالکیت خصوصی بیان شده است.

پورابراهیم و دیگران (۱۴۰۱،۷۱-۵۱) به بررسی معناشناختی رابطه مالکیت از دیدگاه قرآن پرداخته‌اند و ابعادی از مالکیت را بررسی کرده‌اند. مالکیت را نوعی رابطه به معنای سلطه خاصی که زمینه‌ساز هرگونه تصرف در مملوک باشد تعریف نموده‌اند. این رابطه و سلطه، گاه حقیقی و گاه اعتباری است. براساس آیات قرآن، کار یک رابطه منطقی بین مالک و ملکش برقرار می‌سازد و همین رابطه تکوینی از دیدگاه قرآن سرآغاز انتزاع رابطه اعتباری مالکیت بر عقلانیت جمعی می‌شود. همچنین اشاره شده است که در قرآن می‌توان یک گستره از ابعاد مالکیت (از رابطه شخصی تا رابطه حقوقی، اجتماعی و جمعی) را مشاهده کرد.

به‌طور کلی می‌توان از این پیشینه این نکته را به‌دست آورد که هرچند در کلیت برخی از این بررسی‌ها نزدیک به هم هستند و اگرچه از نظر موضوع بحث مالکیت از دیدگاه قرآن را بحث کرده-

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

اند، ولی هریک از این بررسی‌ها فقط به برخی از ابعاد موضوع و آن هم در بیشتر موارد با برداشت متفاوت از دیگران پرداخته‌اند. در بیشتر بررسی‌هایی که درباره مالکیت در اسلام انجام شده است، دیدگاه شخصی افراد مطرح شده است که با تمرکز بر آنها می‌توان تفاوت‌ها را بیشتر درک کرد و تفاوت این دیدگاه‌ها با قرآن نیز مشهود می‌شود. در ادامه پس از اشاره به روش این پژوهش، با هدف مقایسه این‌گونه دیدگاه‌ها با هم و نیز با قرآن، نگاهی به دیدگاه ۳ اندیشمند مسلمان معاصر و سپس تطبیق آنها با قرآن می‌کنیم.

۳. روش

در این بررسی دو دسته داده داریم: یکی نوشته‌های به‌جا مانده از ۳ اندیشمند مسلمان (بهشتی، صدر و مطهری) درباره مالکیت و دیگری، آیه‌های قرآن درباره مالکیت. این داده‌ها از منابع اصلی آن یعنی متن‌های نوشته‌های این ۳ اندیشمند و نیز متن قرآن استخراج می‌شود. جستجو در متن نوشتارهای منتسب به این ۳ اندیشمند درباره موضوع‌های اقتصادی و اجتماعی انجام می‌شود و هرجا متن یا بخشی از متن درباره مالکیت است، مستند قرار می‌گیرد. در قرآن نیز جستجو بین آیه‌ها با کلیدواژه‌های ملک، مال و لام ملکیت انجام می‌شود. در هر دو بخش، مطالب تکراری کنار گذاشته می‌شود و با استناد به دست‌کم یک سند به موضوع تمرکز می‌شود.

تجزیه و تحلیل با روش تطبیقی بر روی ۵ مولفه کلیدی مالکیت (تعریف، علت یا منشا، انواع و حدود مالکیت و اختیارات دولت) در دیدگاه‌های ۳ اندیشمند با قرآن انجام می‌شود. انطباق و اختلاف این دیدگاه‌ها با هم و با قرآن نیز برجسته و ارایه می‌شود.

درباره انتخاب این ۳ اندیشمند نیز گفتنی است که ایشان از اندیشمندان علوم اسلامی هستند که درصدد تبیین دیدگاه‌هایشان در زمینه اقتصاد اسلامی بوده‌اند و مالکیت را در چارچوب این دیدگاه‌ها در زمینه نظام اقتصادی اسلامی مطرح کرده‌اند. هر یک از این ۳ اندیشمند با توجه به شرایط زمانی، توانایی‌ها و جایگاه اجتماعی خود با رویکردی ویژه و متفاوت از دیگری به این تبیین پرداخته‌اند. صدر در یک فضای کاملا انتزاعی و مبتنی بر متون اسلامی و استدلال‌های خود، تلاش داشته است چارچوبی را تبیین کند. مطهری در چارچوب کلی‌تر کلام اسلامی و دیدگاه‌های اجتماعی خود به این تبیین پرداخته است. بهشتی نیز با رویکردی اجرایی مبتنی بر برداشت‌های خود از دین و به‌روز سازی آن با عصر حاضر، به تبیین ابعادی از چارچوب‌های یک نظام حکومتی در دوره حاضر پرداخته است که بخشی از مباحث مطرح شده آنها به مالکیت اختصاص دارد.

۴. بررسی دیدگاه اندیشمندان مسلمان درباره مالکیت

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

در اینجا دیدگاه‌های ۳ اندیشمند مسلمان درباره ۵ بعد مالکیت استخرج و بیان می‌شود. چارچوب-های این دیدگاه‌ها برپایه نوشته‌های آنها استخراج و ارایه می‌شود.

۱،۴. محمدحسین بهشتی

تعریف مالکیت. بهشتی (بی‌تا ، ۶) مالکیت را اینگونه تعریف می‌کند: مالکیت رابطه‌ای است اجتماعی، اعتباری و قراردادی میان اجتماع که بیانگر مشروعیت تصرف مالک در ملک خویش و حقانیت جلوگیری از تصرف دیگران در آن است.

علت مالکیت. بهشتی مالکیت را دارای دو علت دست اول و دست دوم می‌داند. از نظر او علت و ریشه مالکیت یعنی آنجا که مالکیت (دارایی) ایجاد می‌شود با کار تولیدی و خدماتی (علت دست اول) است. او درباره علت ایجاد مالکیت می‌نویسد که انسان اگر خالق یک چیز بود و آن را تولید کرد و به وجود آورد، منطق فطرت، او را مالک آن می‌داند. یعنی وقتی انسان مالک خودش است و صاحب اختیار خودش است، مالک نیروی کارش هم هست و مالک نتیجه نیروی کارش هم هست. یعنی کار موّلد از نظر منطق نظری علت مالکیت شناخته می‌شود (بهشتی، بی‌تا ، ۱۰). علت دست دوم، موجب انتقال مالکیت می‌شود. مبادله، بخشش و نقل و انتقالات قهری مانند ارث، در این دسته هستند (بهشتی، بی‌تا، ۴۲).

انواع مالکیت. بهشتی انواع مالکیت بر حسب مالک را به دوگونه فردی و جمعی جدا می‌کند. مالکیت جمعی به دو نوع عمومی و گروهی تقسیم می‌شود و بیان می‌کند که مالکیت فردی و مالکیت جمعی (عمومی و گروهی) هر دو در اسلام به رسمیت شناخته شده است. وی می‌گوید از نظر اصطلاحات اقتصادی و نیاز کنونی، مالکیت بر چهار نوع شخصی، خصوصی، عمومی و دولتی است. در اصطلاح اقتصاد امروز مالکیت یک فرد نسبت به غیر از ابزار تولید، مالکیت شخصی نامیده می‌شود و مالکیت یک فرد یا حتی یک گروه نسبت به ابزار تولید، مالکیت خصوصی نام دارد. مالکیت مردم نسبت به زمین، کوه‌ها، معادن، آب و مانند اینها، مالکیت عمومی است و مالکیت بر اراضی خراجیه و مانند آنها که ملک عام مردم است، ولی دولت باید در آن تصرف کند، مالکیت دولتی گفته می‌شود. وی می‌افزاید، مالکیت دولتی جلوه دیگری از مالکیت عمومی است و هر دو یک ریشه دارند. (بهشتی، ۱۳۶۲، صص ۷۶-۴۳-۴۲-۱۳۰).

حدود مالکیت. درباره حدود مالکیت، بهشتی اینگونه توضیح می‌دهد: اسلام از نظر جهان‌بینی و ایدئولوژی از نظر نظام عقیدتی و رفتاری بر آزادی انسان تأکید دارد. اصل این است که انسان آزاد بماند و آزادی او محدود نشود، مگر محدودیت‌هایی که اگر رعایت نشود، به آزادی واقعی خود او یا حقوق دیگران لطمه می‌زند (بهشتی و دیگران، ۱۳۹۰، ۱۸). مالکیت خصوصی در شکل فردی، در

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

شکل گروهی (شرکت سهامی) و در شکل گروهی دیگر (تعاونی) هیچ مانع موجه اقتصادی ندارد، مگر اینکه این اجازه تصرف و مالکیت به حقوق دیگران لطمه بزند یا زمینه‌ساز فساد در جامعه شود.

اختیارات دولت در مالکیت. بهشتی بیان می‌کند دولت‌های سالم و صالح می‌توانند خیلی بهتر از سرمایه‌داران خصوصی در راه صنایع بزرگ یا طرح‌های آبیاری و کشاورزی وسیع سرمایه‌گذاری کنند و چون دولت صالح، نماینده و کارگزار ملت است، این سرمایه‌گذاری خواه ناخواه در راه مصالح و منافع ملت خواهد افتاد (بهشتی، ۱۳۸۷، ۱۹و ۱۸). بهشتی برای ارایه شواهد تجربی از امکان-پذیری چنین کاری می‌افزاید که ملی کردن صنایع بزرگ در کشورهای سرمایه‌داری، اقدام به سدسازی و راه‌سازی و ایجاد خط‌آهن و خطوط کشتیرانی از جانب دولت‌ها و پیشرفت‌های شگفت‌انگیز علمی و فنی اقتصادی در کشورهای سوسیالیستی نشان می‌دهد که راه سرمایه‌گذاری منحصر به سرمایه‌داران بزرگ نیست (بهشتی، ۱۳۸۷، ۱۹).

وی در تشریح مداخله دولت بیان می‌کند: می‌دانیم که در جامعه اسلامی، نظام زندگی به انصاف و دلخواه اشخاص واگذار نشده است. چون جامعه اسلامی جامعه‌ای دارای قانون است، ولی پرسش این است که آیا نرخ‌گذاری هم از حقوق حکومت است یا نه؟ آن چیزی که قطعی است اینکه خود این مطلب که نرخ‌گذاری دلیل روشن ندارد و بنابراین فتوای به نرخ‌گذاری دادن خلاف احتیاط است را من احتیاط فقهی می‌دانم (بهشتی، ۱۳۸۷، ۲۸و ۲۷).

۲،۴. محمدباقر صدر

تعریف مالکیت. صدر در تعریف مالکیت می‌نویسد مالکیت رابطه‌ای است بین شخص حقیقی و یا حقوقی با مال به‌گونه‌ای که منع دیگران را از انقتاع موجب می‌شود. ایشان مراد از شخص حقیقی را افراد جامعه و مراد از شخص حقوقی را دولت و عموم ملت می‌داند.

علت مالکیت. در دیدگاه صدر تنها کار است که موجب مالکیت کارگر بر نتیجه کار خویش است و کار موجب مالکیت کارگر بر ماده و نه سبب ارزش آن است. بنابراین کارگر زمانی که مروارید استخراج می‌کند تنها با این کار مالک آن می‌شود، ولی با این کار به آن ارزش نمی‌بخشد. او در کنار کار، عوامل دیگری مانند عامل سیاسی جهادی، نیاز جامعه اسلامی و فعالیت‌های تجاری با جهت‌گیری حفظ عدالت اجتماعی را از پایه‌های شکل‌گیری مالکیت معرفی می‌کند (صدر، ۱۳۵۹، ۶۷).

انواع مالکیت. صدر می‌نویسد در اقتصاد اسلامی مالکیت مختلط (خصوصی، عمومی و دولتی) پذیرفته شده است که هر سه دارای اهمیت یکسان هستند و هیچ کدام بر دیگری ترجیح ندارند (صدر، ۱۳۵۷، ۳۵).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

حدود مالکیت. صدر بر این نظر است که دو قید، مانع مطلق بودن مالکیت خصوصی می‌شود. قید نخست، شخصی و درونی است و برگرفته از ارزش‌های اخلاقی مشارکت در ثروت است. این ارزش‌ها از حیطه حکم و جبر حکومت خارج هستند. قید دوم، قید عینی و واقعی و بیرونی آزادی‌های اقتصادی و اجازه تصرف است که بر دو پایه بنا شده است: یکی ممنوعیت همه فعالیت‌هایی که بازدارنده تثبیت ارزش‌های اسلامی هستند، مانند حرمت ربا، احتکار، کنز، تکاثرطلبی، ثروتاندوزی، سفته‌بازی و حیله در معامله و تملک درآمد آنها و دیگری پایه محدودیت‌های بیرونی آزادی‌های اقتصادی و مالکیت خصوصی، نظارت حکومت اسلامی بر فعالیت‌های اقتصادی و وضع مقررات در این راستا می‌باشد. (صدر، ۱۳۸۶، ۱۰).

اختیارات دولت در مالکیت. صدر بیان می‌کند همان‌گونه که رها شدن اقتصاد در دست بخش خصوصی و بازار موجب بروز هزاران مشکل است، سیطره مطلق دولت بر اقتصاد نیز مشکل آفرین است. در همین راستا اشاره می‌کند که دخالت دولت یا ولی امر باید در حدود شریعت باشد و جایز نیست که حرام را حلال کند (صدر ۱۳۵۷، ۳۰۱). نقش دولت در اندیشه‌های او از این جهت مهم است که راه انداختن پروژه‌های بزرگ اقتصادی بدون دولت میسر نیست و این پروژه‌های بزرگ نیازمند انباشت سرمایه است که بدون دولت ممکن نیست، زیرا اسلام ثروت اندوزی کلان را منع کرده است و دولت باید برای اطمینان از جریان درست تولید و توزیع منصفانه منابع طبیعی، در اقتصاد دخالت کند. حیطه اصلی دخالت دولت منطقه خلا است. جایی که توان بخش خصوصی در تامین آن نیست و حاکم به اقدامات اقتصادی دست می‌زند تا تأمین اجتماعی و توازن اجتماعی را تحقق بخشد. فلسفه دخالت دولت از دیدگاه صدر تضمین از بین بردن تفاوت‌ها و فاصله‌های عمیق اجتماعی و جلوگیری از انحصار ثروت در دست توانمندان است (صدر، ۱۳۸۶، ۱۰).

۳,۴. مرتضی مطهری

تعریف مالکیت. مطهری در نوشته‌های خود تعریف خاصی از مالکیت ارائه نمی کند. وی بحث مالکیت را به لحاظ فلسفی مورد بحث قرار می‌دهد. ایشان چنین بیان می‌کند که برای اینکه ماهیت مالکیت را به‌دست آوریم نخست وضع آن را در میان بشر جستجو می‌کنیم. می‌بینیم بشر میان خود و بعضی چیزها رابطه خاصی قایل است که آن رابطه را میان شخص دیگر و آن چیز قایل نیست. یک ویژگی دیگر برای این رابطه قایل است که این رابطه را قابل سلب و تبدیل می‌داند و این که بشر با قرارداد مالکیت را اثبات یا سلب یا تعویض می‌کند، دلیل بر اعتباری بودن آن نیز می‌باشد (مطهری، ۱۳۷۰، ۵۱-۵۰).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

علت مالکیت. مطهری بر این نظر است که کارعلت مالکیت شمرده شود(مطهری، ۱۳۷۰، ۵۳)، وی در بحث مالکیت به دو مساله با تردید نگاه می‌کند. مساله اول اینکه اسلام مالکیت فردی و شخصی سرمایه‌های طبیعی و صناعی را نمی‌پذیرد(مطهری، ۱۳۷۰، ۱۴۳) و مالکیت در این امور را عمومی می‌داند. مورد دوم که از نظر ایشان قابل تردید است مالکیت صنعتی است. وی بیان می‌کند ماشین از آن نظر که مظهر ترقی اجتماع است و محصول ماشین را نمی‌توان غیر مستقیم متعلق به سرمایه‌دار دانست، بلکه محصول غیرمستقیم شعور و نبوغ مخترع است و آثار نبوغ و شعور نمی‌تواند مالک شخصی داشته باشد، پس ماشین‌های تولید نمی‌توانند به اشخاص تعلق داشته باشند ولی اسلام مالکیت اشتراکی کار را نیز نمی‌پذیرد. ایشان بیان می‌کند مالکیت‌ها مانند مسایل دیگر مربوط به زندگی اجتماعی، باید با قانون مشخص شود و اساس قانون باید تابع عدالت باشد. (مطهری، ۱۳۷۰،۵۸-۵۴).

انواع مالکیت. مطهری در انواع مالکیت برپایه مالک این‌گونه می‌گوید که مالکیت ممکن است فردی باشد و ممکن است جمعی و اشتراکی باشد. اسلام نه با قبول مالکیت عمومی در مثال‌هایی مانند انفال، مالکیت فردی را به‌طور مطلق طرد کرده است و نه با قبول مالکیت فردی، مالکیت عمومی را نفی کرده است. در آن‌جا که پای کار افراد و اشخاص است، مالکیت فردی را معتبر می‌شمارد و در آن‌جا که پای کار افراد و اشخاص نیست، مالکیت جمعی را معتبر می‌شمارد. او مالکیت فردی را نیز محدود می‌داند و بیان می‌کند که کسی نباید گمان کند که اگر مالک خصوصی مالی باشد، اختیار مطلق دارد و می‌تواند آن را حبس کند، زیرا خداوند انسان را فاعل و منابع اولیه را قابل آفریده است و این قوه فاعلی خواسته است که از آن ماده قابله استنتاج نماید (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۵۹-۵۸ و ۲۲۹). با توجه به متن صریح کتاب ایشان که بعد از فوت ایشان تدوین شده است، مطهری مالکیت خصوصی بر محور کار را به صورت محدود می‌پذیرد و با تأکید بر اصل تقدم اجتماع، بر مشروعیت و اولویت مالکیت اشتراکی نیز تأکید دارد (مطهری، جلد ۲۰، ص ۴۳۰-۴۳۴).

حدود مالکیت. مطهری دیدگاه خود را چنین بیان کرده است: اسلام در عین اینکه دینی اجتماعی است و به جامعه می‌اندیشد و فرد را مسئول جامعه می‌شمارد، حقوق و آزادی‌های فرد را نادیده نمی‌گیرد و فرد را غیر اصیل نمی‌شمارد. فرد از نظر اسلام چه از نظر سیاسی، اقتصادی، قضایی و اجتماعی حقوقی دارد. از نظر سیاسی حق مشورت و انتخاب و از نظر اقتصادی حق مالکیت بر محصول کار خود و حق معاوضه و معادله و صدقه و وقف و اجاره، مزارعه و مضاربه و مانند اینها را در دارایی شرعی خود دارد (فراهانی فرد، ۱۳۸۳، ۲۳۴).

اختیارات دولت در مالکیت. مطهری درباره مداخله دولت در اقتصاد می‌گوید دولت حق دارد در یک سلسله معاملاتی که در ذات خود از نظر فردی مجاز است، روی مصالحی که تشخیص می‌دهد

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

جلو آزادی اولی را بگیرد، مانند مساله تثبیت نرخ‌ها که حکومت اسلامی باید این آزادی را در شرایط معین محدود کند. درباره قلمرو اختیارات دولت اسلامی می‌گوید یکی از عواملی که کار انطباق اسلام با مقتضیات زمان و به عبارت بهتر با نیازمندی‌های زمان را آسان می‌کند اختیارات وسیعی است که اسلام به حاکم شرع داده است. در دین آمده است که پسندها را بر اساس نیازها با دستورهای خود تطبیق دهد، ولی خودش هم باید با نیازهای نظری و واقعی هماهنگ باشد. او سیاست‌گذاری در جهت اهداف نظام، وضع مالیات، بهره‌برداری از زمین‌های عمومی و اداره انفال را از جمله وظایف دولت اسلامی می‌داند (مطهری، ۱۳۷۲، ۱۱۴-۱۱۳).

۵. مالکیت در قرآن

در این بخش کوشش می‌شود آیاتی از قرآن کریم که به طور صریح به بحث مالکیت اشاره داشته‌اند، گزینش شوند تا از روی آنها ابعاد مالکیت در قران استخراج شود. برای فهم دقیق‌تر آیات و تفسیر آنها سعی شده است مفهوم آنها بر اساس بیان تفسیر المیزان[۱] درک شود.

۱,۵. تعریف مالکیت

در آیات قرآن نمی‌توان تعریف صریحی از مالکیت یافت، ولی می‌توان از برخی آیات در این زمینه استنباط کرد که تعریف عرفی موجود در جامعه را به عنوان مبنا پذیرفته است. این قاعده کلی قرآن است که در زمینه امور مربوط به زندگی جاری مردم تعریف‌های عرفی جامعه را مبنا قرار می‌دهد و قاعده‌های پذیرفته شده جاری اجتماع را می‌پذیرد. با این وجود از آیات قران، برخی از ویژگی های مالکیت پذیرفته شده در قرآن برداشت می‌شود، قرآن در آیه ۱۸۸ سوره بقره می‌فرماید: و اموال خود را بین خود به باطل مخورید و برای خوردن مال مردم قسمتی از آن را به طرف حکام به رشوه و گناه سرازیر ننمایید با اینکه می‌دانید این عمل حرام است[۲]. این آیه نشانه روشن محترم شمردن دارایی و مال دیگران به معنای حق تصرف و بهره‌برداری مالک و منع غیرمالک از این حق برای هر مالی است. به تعبیر دیگر اینجا به رسمیت شناختن حق مالکیت افراد است که تصرف، منع دیگران و بهره‌برداری را از آنها دانسته است. سیاق آیه که میان چند آیه دیگر با حکم‌هایی درباره موضوع‌های مختلف آمده نیز نشانه کلی بودن آیه است.

۲,۵. علت یا منشا مالکیت در قرآن

---

۱. پایگاه جامع قرآن quarn.inoor.ir (تفسیر المیزان).

۲. و لا تاکلو اموالکم بینکم بالبطل و تدلوا بها إلی الحکام لتاکلوا فریقا من امول الناس بالاثم و انتم تعلمون. ۱۸۸ بقره

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

در باره علت ایجاد مالکیت در قران آیه‌هایی آمده است. در این بخش سعی شده است همه آیه‌هایی که به نوعی علت مالکیت را (کار تولیدی، خدماتی، حیازتی، مبادله، بخشش و انواع نقل و انتقالات قهری مانند ارث و غیر آن، فیء، غنیمت، انفال و مانند اینها) بیان می‌کنند استخراج و دسته‌بندی شوند.

کار (تولیدی و خدماتی)

آیه ۳۲ سوره نسا: نسبت به آنچه شما ندارید و خدا به دیگران مرحمت فرموده تمنا مکنید و نگویید ای کاش من نیز مثل فلان شخص فلان نعمت را می‌داشتم، زیرا این خدا است که به مقتضای حکمتش بعضی را بر بعضی برتری داده، هر کسی چه مرد و چه زن بهرمندیش از کار و کسبی است که دارد. اگر درخواستی دارید از خدا بخواهید، فضل او را بخواهید که او به همه چیز دانا است[۱].

از این آیه می‌توان دریافت که اساس تحقق مالکیت در قرآن کار است. همچنین آیه ۳۹ سوره نجم می‌فرماید بدون کار به کسی چیزی تعلق نمی‌گیرد[۲].

حیازت

آیه ۲۹ سوره بقره: او است که هر چه در زمین هست یکسره برای شما آفرید، سپس ببه آسمان پرداخت و هفت آسمان بپا ساخت و به همه چیز دانا است[۳].

مطابق این آیه، همه مباحات موجود در زمین، برای آن که انسان آن را تملک کند آفریده شده است و کسی که چیزی از آنها را به‌دست بیاورد مالک آن می‌شود.

ارث

آیه ۷ سوره نسا: برای فرزندان پسر سهمی از ما ترک ابوین و خویشان است و برای فرزندان اناث نیز سهمی از ترکه چه مال اندک باشد و چه بسیار، نصیب هر کس از آن ترکه (در کتاب حق) معین گردیده است[۴].

از این آیه می‌توان احکام ارث و انتقال مالکیت از طریق (نقل و نتقالات قهری: ارث) را دریافت که در انتقال مالکیت از طریق ارث تعریف می‌شود، آیه‌های ۱۱ و ۱۲ سوره نساه نیز مانند این آیه درباره ارث است.

---

۱ وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا.

۲ وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى ۳۹ نجم

۳ هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.

٤ "للرجال نصيب ممّا ترک الوالدان و الاقربون و للنساء نصيبٌ ممّا ترک الوولدان و الاقربون ممّا قلّ منه او کثر نصيباً مفروضاً"

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

هبه یا بخشش

آیه ۴ نسا: مهر زنان را در کمال رضایت و طیب خاطر به آنها بپردازید، پس اگر چیزی از مهر خود را از روی رضا و خشنودی به شما بخشیدند برخوردار شوید که آن شما را حلال و گوارا خواهد بود[۱].

مبادله

آیه ۲۷۵ و ۲۷۶ سوره بقره: کسانی که ربا می‌خورند رفتار و کردارشان مانند شخص جن زده و فریب خورده شیطان است و چون ربا خوران خوب و بد را تمیز نمی‌دهند، می‌گویند خرید و فروش هم مثل ربا است، با اینکه خدا خرید و فروش را حلال و ربا را حرام کرده. پس، بطور کلی هر کس موعظه‌ای از ناحیه پروردگارش دریافت بکند و در اثر آن موعظه از معصیت خدا دست بردارد، گناهی که قبلا کرده بود حکم گناه بعد از موعظه را ندارد و امر آن به دست خدا است، اما اگر باز هم آن عمل نهی شده را تکرار کند، چنین کسانی اهل آتش و در آن جاودانند (۲۷۵). خدا ربا را (که مردم به منظور زیاد شدن مال مرتکب می‌شوند) پیوسته نقصان می‌دهد و به سوی نابودیش روانه می‌کند و در عوض صدقات را نمو می‌دهد و خدا هیچ کافرپیشه دل به گناه آلوده را دوست نمی‌دارد (۲۷۶).

از اینها می‌توان دریافت که افراد مالک منابع حاصل از مال که از مسیر ربا به‌دست می‌آید نمی‌باشند و این یک محدودیتی است که قرآن در مسیر حق تصرف و محقق شدن مالکیت خصوصی قرار داده است. البته اصل دو آیه بر محور تایید مبادله درقرآن به عنوان یکی از مسیرهای انتقال مالکیت است.

انفال

آیه ۱ سوره انفال: از تو از انفال پرسش می‌کنند، بگو انفال مال خدا و رسول است. پس از خدا بترسید و میان خود صلح برقرار سازید و خدا و رسول او را اطاعت کنید، اگر با ایمان هستید[۲].

آیه ۴۱ سوره انفال: بدانید هر آنچه را که غنیمت و فایده می‌برید، پنج یک آن برای خداست و برای رسول و خویشاوند او و یتیمان و مسکینان و در راه‌ماندگان، اگر به خدا و آنچه را که در روز فرقان روزی که دو گروه یکدیگر را ملاقات کردند بر بنده‌مان نازل کردیم ایمان آورده‌اید و خداوند بر هر چیز توانا است[۳].

---

۱ وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا

۲ "یسئلونم عن الانفال قل الانفال لله و الرسول فاتقوا الله و اصلحوا ذات بینکم و اطیعوا الله و رسوله ان کنتم مومنین"

۳ "واعلموا انما غنمتم من شیءٍ فان لله خمسه و للرسول ولذی القربی و الیتمی و المسکین و ابن السبیل ان کنتم امنتم بالله و ما انزلنا علی عبدنا یوم الفرقان یوم التقی الجمعان و الله علی کل شیءٍ قدیر".

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

فی یا غنیمت

آیات ۶ تا ۸ سوره حشر[۱]: خدا هر غنیمتی از آنان به رسول خود رسانید بدون جنگ شما رسانید شما بر اموال آنان هیچ اسب و شتری نتاختید لیکن این خدا است که رسولان خود را بر هر کس که خواهد مسلط می‌کند که او بر هر چیزی قادر است. آنچه خدا از اموال اهل قری به رسول خود برگردانید از آن خدا و رسول او و از آن خویشان رسول و فقیران و مسکینان و درماندگان در راه است تا اموال بین توانگران دست به دست نچرخد. و هر دستوری که رسول به شما داد بگیرید و از هر گناهی نهیتان کرد آن را ترک کنید و از خدا بترسید که خدا عقابی سخت دارد. از غنائم سهمی برای فقرای مهاجرین است، آنان که به دست دشمن از اموال و خانه‌های خود بیرون شدند، و به امید رسیدن به فضل و رضوان خدا ترک وطن کردند و همواره خدا و رسولش را یاری می‌دهند اینان همان صادقانند.

آیات ۷۵ انفال، آیه ۲۶ اسرا، ۳۸ روم، ۲۹-۶۰ و ۱۰۳ توبه نیز مشابه آیات فوق هستند.

۵،۳. انواع مالکیت در قرآن

مالکیت خصوصی

آیه ۳۹ سوره نجم: اینکه انسان به جز کار و تلاشش چیزی ندارد[۲].

اگر به سوره نجم آیه ۳۹ توجه کنیم می‌توان از آن چند نکته دریافت کرد. نخست اینکه کار منشأ مالکیت است، دوم اینکه هر کسی صاحب مال خودش است و تأییدی بر پذیرش مالکیت خصوصی توسط قرآن کریم است و سوم اینکه اگر مال متعلق به کسی نبود، اجازه هم نخواهیم داشت که آن را به شخص دیگری بدهیم. از این آیه می‌توان برداشت کرد که انسان بر مال خود تسلط دارد. می‌توان از آیه‌های ۱۸۸ بقره، ۲۹ نسا، ۳۴ توبه، آیات ۲۶۱-۲۶۲-۲۶۴-۲۶۵ و ۲۷۹ بقره، ۱۸۶ آل عمران، ۲۸ انفال، ۲۴و ۴۱ توبه،۳۲-۳۴ و۳۹ کهف، ۳۷ سبا، ۳۶ محمد، ۱۱ صف، ۹ منافقون، ۱۵ تغابن، ۲۸ حاقه، ۲۱ نوح، ۱۱ و ۱۸ لیل، ۳ همزه و۲ مسد نیز پذیرش گسترده مالکیت خصوصی در قرآن را دریافت کرد.

---

۱ وَمَا أَفَاءَ ٱللَّهُ عَلَى رَسُولِهِۦ مِنهُم فَمَا أَوجَفتُم عَلَيهِ مِن خَيل وَلَا رِكَاب وَلَكِنَّ ٱللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُۥ عَلَى مَن يَشَاءُ وَٱللَّهُ عَلَى كُلِّ شَىء قَدِير، مَّا أَفَاءَ ٱللَّهُ عَلَى رَسُولِهِۦ مِن أَهلِ ٱلقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِى ٱلقُربَى وَٱليَتَمَى وَٱلمَسَكِينِ وَٱبنِ ٱلسَّبِيلِ كَى لَا يَكُونَ دُولَةَۢ بَينَ ٱلأَغنِيَاءِ مِنكُم وَمَا ءَاتَىٰكُمُ ٱلرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَىٰكُم عَنهُ فَٱنتَهُواْ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ إِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلعِقَابِ، لِلفُقَرَاءِ ٱلمُهَجِرِينَ ٱلَّذِينَ أُخرِجُواْ مِن دِيَرِهِم وَأَموَلِهِم يَبتَغُونَ فَضلا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضوَنا وَيَنصُرُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصَّـدِقُونَ.

۲ وَأَن لَّيسَ لِلإِنسَنِ إِلَّا مَا سَعَى. ۳۹ نجم.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

مالکیت عمومی

در مواردی مانند مالی که مالکی ندارد، اموالی که وارث ندارند، اموال مازاد بر اموالی که افراد دارند و رها کرده‌اند و نیز یک پنجم غنیمت، بنابر آیه ۳۹ نجم، اموالی که متعلق به کسی نبود اجازه نخواهیم داشت آن را به کسی بدهیم، مالکیت خصوصی محقق نخواهد شد و مالکیت عمومی شکل خواهد گرفت. آیات ۱-۴۱ و ۷۵ انفال، آیه ۲۶ اسرا، ۳۸ روم، ۲۹-۶۰ و ۱۰۳ توبه موید مالکیت عمومی برخی از اموال هستند که به دلیل مطرح کردن آیات در بحث اختیارات دولت از تکرار آنها خودداری می‌شود.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت در متن آیه‌های قران دو نوع مالکیت عمومی و خصوصی پذیرفته شده است. هرچند ممکن است در برخی موارد استدلال قطعی برای مالکیت همگانی آن ضعیف باشد.

۴,۵.حدود مالکیت در قرآن

در قران برای برخی افراد بخشی از حقوق مالکیت محدود شده است. نمونه آنها در زیر آمده است.

مالکیت کودکان. آیه ۶ سوره نساء می‌فرماید یتیمان را آزمایش نمایید تا هنگامی که بالغ شده و تمایل به نکاح پیدا کنند، آن‌گاه اگر آنان را دانا به درک مصالح زندگی خود یافتید اموالشان را به آنها باز دهید و به اسراف و عجله مال آنها را حیف و میل نکنید، بدین اندیشه که مبادا کبیر شوند و اموالشان را از شما بگیرند و هر کس که اولیای یتیم داراست به کلی از هر قسم تصرف در مال یتیم خودداری کند و هر کس فقیر است در مقابل نگهبانی آن مال به قدر متعارف ارتزاق کند پس آنگاه که یتیمان بالغ شدند و مالشان را رد کردید هنگام رد مال باید گواه گیرید برای حکم ظاهر ولی در باطن علم حق و گواهی خود کافی است[۱].

از این آیه می‌توان دریافت:

۱- یتیم مالک اموال خود است و بلوغ و رشد عقلی یکی از عوامل محدودیت اختیار تصرف است.

۲- قرارداد انتقال مالکیت کودکان توسط آنها باطل است.

آیه ۲ سوره نسا، آیه ۱۵۲ سوره انعام و آیه ۳۴ سوره اسرا نیز مانند این آیه هستند.

---

۱ "و ابتلوا الیتمی حتی اذا بلغوا النکاح فان انستم منهم رشدا فادفعوا الیهم امولهم و لا تاکلوها اسرافا و بدارا ان یکبروا و من کان غنیا فلیستعف و من کان فقیرا فلیاکل بالمعروف فاذا دفعتم الیهم امولهم فاشهدوا علیهم و کفی بالله حسیبا"

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

مالکیت سفیه. آیه ۵ سوره نساء می‌فرماید اموالی که خدا قوام زندگانی شما را به آن مقّرر داشته به تصرف سفیهان مدهید و از مالشان به قدر لزوم (نفقه و لباس) بدهید و برای آن که آنها آزار نبینند به گفتار خوش آنان را خرسند کنید[۱].

از این آیه می‌توان دریافت:

۱- یکی از شرایط مالکیت و تصرف، عقل و بلوغ است.

۲- اصل مالکیت خصوصی پذیرفته شده است.

درآمد های ممنوع و حرام در قرآن (ربا). آیه ۲۷۵ و ۲۷۶ ربا و درآمد آن را حرام کرده است. آنچه درباره مالکیت و محدودیت آن از این آیه‌ها برداشت می‌شود:

۱. معامله یکی از مسیرهای تحقق مالکیت بر شیء است.

۲. ربا دهنده مالک عین خود است اما مالک منابع حاصل از مال که از مسیر ربا بدست می‌آید نمی‌باشد.

معامله کالاهای ممنوعه و حرام (غنا، خمر و...). آیه ۶ سوره لقمان می‌فرماید بعضی از مردم گفتار بازیچه را میخرند، تا بدون علم مردم را از راه خدا گمراه کنند، و راه خدا را مسخره گیرند، آنان عذابی خفت‌آور دارند[۲].

آیه ۲۱۹ سوره بقره نیز می‌فرماید از تو حکم شراب و قمار را می‌پرسند بگو در آن دو گناهی است بزرگ و منافعی است برای مردم اما اثر سوء آن دو در دل‌ها بیش از منافع صوری آنها است و نیز از تو می‌پرسند چه تعداد انفاق کنند؟ بگو حد متوسط را خدا اینچنین آیات را برایتان بیان می‌کند تا شاید تفکر کنید[۳].

معاملات و قراردهای باطل. آیه ۱۸۸ سوره بقره می‌فرماید و اموال خود را در بین خود به باطل مخورید و برای خوردن مال مردم قسمتی از آن را به طرف حکام به رشوه و گناه سرازیر ننمایید با اینکه می‌دانید این عمل حرام است[۴]. از این آیه می‌تواند این‌گونه برداشت کرد که انسان بر مال خود تسلط دارد که از حقوق مالکیت است و اینکه معاملات و قراردادهای باطل منجر به انتقال مالکیت نمی‌شوند.

---

۱ و لا توتوا السفهاء اموالکم التی جعل الله لکم قیما و ارزقوهم فیها و اکسوهم وقولوا لهم قولا معروفا

۲ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشتَرِى لَهوَ ٱلحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ بِغَيرِ عِلم وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَـٰٓئِكَ لَهُم عَذَاب مُّهِين.

۳ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ.

۴ "و لا تاکلو اموالکم بینکم بالبطل و تدلوا بها إلی الحکام لتاکلوا فریقا من اموال الناس بالاثم و انتم تعلمون"

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

آیه ۲۹ سوره نسا می‌فرماید هان! ای کسانی که ایمان آوردید، اموال خود را در بین خود به باطل مخورید، مگر آن که تجارتی باشد ناشی از رضایت دهنده و گیرنده و یکدیگر را به قتل نرسانید، که خدای شما مهربان است[۱]. این آیه اشاره دارد که رضایت طرفین در قرارداد یکی از محدودیت‌های تحقق مالکیت خصوصی می‌باشد و درصورت عدم رضایت طرفین معامله، قرارداد باطل است.

۵،۵. اختیارات دولت در قرآن

چنانچه توضیح داده شد برپایه آیه ۱ و ۴۱ انفال مال خدا و رسول است. همچنین خمس غنیمت برای خدا، رسول و خویشاوند او و یتیمان و مسکینان و در راه‌ماندگان است. همچنین برپایه آیه‌های ۶ تا ۱۱ سوره حشر فیء نیز مانند این باید میان گروهی تقسیم شود. در چنین مواردی نقش دولت در تقسیم آنها نمایان می‌شود و دولت متولّی این اموال خواهد بود. اگرچه دولت مالک نیست و در قرآن مفهومی به عنوان مالکیت دولتی وجود ندارد و تایید نشده است. آیه‌های ۷۵ انفال، ۲۶ اسرا، ۳۸ روم، ۲۹-۶۰ و ۱۰۳ توبه نیز در این راستا هستند.

۶. تحلیل تطبیقی ابعاد مالکیت

درباره تعریف مالکیت دیدگاه سه متفکر مسلمان (شهید آیت الله بهشتی، شهید آیت الله صدر و شهید مطهری) تفاوت ماهیتی با هم ندارد، هرچند در جزییات متفاوت است. قرآن نیز تعریفی ارایه نکرده است ولی حق تصرف و بهره‌برداری و منع تصرف و بهره‌برداری دیگران با کلیت تعریف بهشتی و صدر هماهنگی دارد.

درباره علت یا منشا مالکیت همه دیدگاه‌ها کار را منشأ اولیه بحث مالکیت معرفی کرده‌اند. و تفاوت دیدگاه سه متفکر مسلمان با دیدگاه قرآن دامنه پذیرش عامل کار به عنوان تحقق مالکیت است. بهشتی کار خدماتی و مولد را منشأ اولیه و ارث، نقل و انتقالات قهری، مبادله، حیازت و بخشش را منشأ دست دوم مالکیت می‌داند و دامنه وسیع‌تری برای این حوزه پذیرفته است. صدر کنار کار، عامل سیاسی جهادی، تجارت با جهت‌گیری عدالت اجتماعی و نیاز جامعه اسلامی را اساس تحقق مالکیت قرار می‌دهد که نسبت به بهشتی دایره پذیرش را تنگ‌تر نموده‌اند و در نهایت مطهری این محدودیت را بیشتر نموده‌اند و کار را به صورت محدود عامل پذیرش مالکیت می‌داند و برای مالکیت خصوصی سرمایه‌های صناعی (مالکیت صنعتی) محدودیت قایل است.

---

۱ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

درباره انواع مالکیت بهشتی و صدر هر دو مالکیت مختلط را می‌پذیرند، البته صدر دایره را کمی تنگ‌تر می‌کند و پذیرش مالکیت مختلط را منوط به شرط‌پذیرش حدود الهی می‌کند ولی بهشتی برای مالکیت خصوصی در هیچ سطحی چه فردی یا گروهی مانعی نمی‌داند. مطهری محدودیت را بیشتر می‌داند و مالکیت خصوصی را به صورت محدود با تأکید بر اصل تقدم اجتماع بر فرد و پذیرفتن مالکیت اشتراکی توسط اسلام، می‌پذیرند.

درباره حدود مالکیت بهشتی هیچ مانع موجهی برای محدود کردن آزادی اقتصادی و پذیرش مالکیت خصوصی نمی‌پذیرد مگر اینکه این آزادی و اجازه تصرف به حقوق دیگران لطمه بزند یا زمینه‌ساز فساد شود. صدر حدود مالکیت را نیز محدودتر می‌داند و آن را در چارچوب منابع کلی شریعت اسلام و اصل شرافت ولی امر بر فعالیت عمومی و اصل دخالت دولت در کنار قاعده لاضرر و تسلیط تعریف می‌کند. مطهری محدودیت را بیشتر و سرمایه‌های طبیعی و صناعی را غیرقابل مالکیت خصوصی می‌داند و آنها را در حیطه مالکیت اشتراکی می‌داند. قرآن کریم برپایه آیه‌های ۱۲ جاثیه، ۱۰ جمعه و ۱۵ ملک، به انسان اجازه کامل فعالیت‌های اقتصادی و کسب روزی و تصرف را داده است. مگر آنکه موارد استثناء (عدم رشد و بلوغ عقلی، یتیم، صغیر، کالاهای ممنوعه یا موارد حرام یا عدم رضایت خریدار و فروشنده) رخ دهد.

درباره اصل مداخله دولت سه متفکر مسلمان این اصل را پذیرفته‌اند. بهشتی با منطق، قیمت‌گذاری عادلانه، اتخاذ سیاست‌های کلان، صنایع بزرگ، دسترسی همه اقشار به ابزار تولیدی، صدر با منطق گسترش عدالت و توازن اجتماعی (منطقه‌الفراغ) و مطهری با منطق وضع مالیات، سیاستگذاری در جهت اهداف نظام و بهره‌برداری از زمین‌های عمومی و اداره انفال این اصل را پذیرفته‌اند. می‌توان گفت قرآن در بیش از ۱۰۰ آیه اصل مالکیت خصوصی را تأیید می‌کند، البته در موارد استثنا (مال بی‌مالک، مالی بی‌وارث و مال ترک شده)، اموالی در مالکیت همگانی و مشاع قرار می‌گیرد که در جامعه امروزی دولت مدیریت آن را برعهده می‌گیرد، ولی مالک آن نخواهد بود. قرآن تنها دو مالکیت خصوصی و همگانی را پذیرفته است.

بر این پایه می‌توان دریافت که این اندیشمندان مسلمان با بیان نگاه شخصی به نام دیدگاه اسلام، موجب ایجاد برداشت‌های متفاوتی نسبت به قرآن شده‌اند. این مقایسه تطبیقی تا حد زیادی اختلاف این دیدگاه‌ها را با قرآن روشن می‌کند.

جدول ۱. تطبیق دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان با قران

دیدگاه	تعریف مالکیت	علت مالکیت	انواع مالکیت	حدود مالکیت	اختیارات اقتصادی دولت

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

محمد حسین بهشتی	مالکیت رابطه‌ای اجتماعی، اعتباری و قراردادی میان اجتماع که بیانگر مشروعیت تصرف مالک در ملک خویش و حقانیت جلوگیری از تصرف دیگران است.	کار مولد و تولیدی و خدماتی علت دست اول ملکیت و مبادله، حیازت، بخشش و نقل و انتقالات قهری علت دست دوم ملکیت است.	۲ نوع است: فردی و جمعی که مالکیت جمعی به دو شکل گروهی یا همگانی است. در دسته‌بندی دیگر ۳ نوع است: خصوصی، شخصی، عمومی یا دولتی که خصوصی ۲ شکل فردی و گروهی و گروهی ۲ شکل سهامی و تعاونی دارد.	مالکیت خصوصی در سطح فردی یا گروهی (تعاونی، سهامی) هیچ مانع موجه اقتصادی ندارد. محدودیت آن این است که به آزادی دیگران لطمه بزند و آزادی‌هایی که جامعه را فاسد کند.	۱. تملک درصنایع بزرگ ۲. ابفای نقش در طرح‌های آبیاری کشاورزی ۳. قیمت‌گذاری عادلانه ۴. اتخاذ سیاست‌های کلان اقتصادی ۵. گسترش تأمین اجتماعی ۶. دسترسی همه به ابزار تولید ۷. در موارد لزوم تصدّی‌گری
محمد باقر صدر	مالکیت رابطه‌ای است بین شخص حقیقی یا حقوقی با مال به گونه‌ای که منع دیگران را از انتفاع موجب شود.	کار را علت مالکیت است. در کنار کار، عامل سیاسی جهادی، فعالیت‌های تجاری با جهت‌گیری حفظ عدالت اجتماعی و نیاز جامعه اسلامی، دیگر عوامل ایجاد مالکیت هستند.	مالکیت مختلط پذیرفته است: خصوصی، همگانی و دولتی	عوامل محدود کننده مالکیت دو دسته است: عامل درونی اخلاقی ف ردی و عامل عینی واقعی بیرونی که بیرونی دو دسته است: احکام شریعت اسلام و اصل شرافت ولی امر بر فعالیت عمومی و دخالت دولت (قاعده لاضرر + تسلیط)	۱. منطقه الفراغ ۲. توازن اجتماعی ۳. تأمین اجتماعی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

مرتضی مطهری	بشر میان خود و اشیاء رابطه خاصی قائل است که آن رابطه را میان شخص دیگر و آن شیء قائل نیست.	کار به صورت محدود علت مالکیت است. در این زمینه دو تردید وجود دارد. یکی ارزش اضافی نیروی کار و دیگری مالکیت صنعتی	پذیرش مالکیت خصوصی به صورت محدود و با تأکید بر اصل تقدم اجتماع بر فرد. مالکیت اشتراکی توسط اسلام پذیرفته شده است.	مالکیت خصوصی بر حاصل کار خود، و انتقال مجاز شرعی وجود دارد، ولی مالکیت سرمایه‌های طبیعی و ماشین‌آلات، اشتراکی و عمومی است..	۱. سیاستگذاری در جهت اهداف نظام ۲. وضع مالیات ۳. بهره‌برداری از زمین‌های عمومی و اداره انفال
قرآن کریم	رابطه‌ای خاص میان مالک و ملک که امکان تصرف در ملک را نشان می‌دهد که می‌تواند حقیقی یا اعتباری باشد.	برابر آیه ۳۹ سوره نجم در قرآن، کار علت دست اول مالکیت محسوب می‌شود.	پذیرش مسلّم مالکیت خصوصی و در موارد استثنا مالکیت خصوصی ملغی می‌شود. مالکیت همگانی برای بخشی از انفال و جهت برای برخی اموال. در قران مالکیت دولتی اشاره نشده است.	اجازه فعالیت‌های اقتصادی و فراهم آوردن شرایط برای کسب روزی و انواع تصرفات و مالکیت خصوصی تا جایی که موارد استثناء (احکام حرام) پیش نیاید مجاز است.	اداره دارایی‌های زیر اموالی که وارث ندارد، اموال بی‌مالک، خمس غنایم جنگی و غیرجنگی، زمین موات، فیء، انفال، سواحل دریاها، جنگل و کوه‌ها، معادن.

۷. جمع‌بندی

هدف این بررسی، تطبیق دیدگاه اندیشمندان مسلمان با قرآن بوده است. منابع متعددی مالکیت از دیدگاه قرآن را بررسی کرده‌اند، ولی مساله مهم در این زمینه آن است که آیا این دیدگاه‌ها با قران هماهنگی دارد یا مصداقی از آن است که برپایه حدیث امام صادق (ع) باید به دیوار زده شود. اختلاف دیدگاه‌های موجود در زمینه مالکیت خود نشان دهنده این است که همه اینها نمی‌توانند درست باشند. برای شناسایی اینکه کدام درست‌تر است دیدگاه‌های ۳ اندیشمند مسلمان در ابعاد ۵ گانه مالکیت استخراج شد و با نص آیه‌های قران تطبیق داده شد. این بررسی تطبیقی در پنج بعد

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

تعریف مالکیت، علت مالکیت، انواع مالکیت،حدود مالکیت و اختیارات دولت انجام شد. یافته‌ها در این ۵ به صورت دسته‌بندی شده ارایه می‌شود.

درباره تعریف مالکیت، با توجه به اینکه قران در زمینه امور تعریفی وارد نشده است، تعریفی از مالکیت در قران نمی‌توان یافت. ولی می‌توان ویژگی‌هایی مانند حق تصرف و منع تصرف دیگران را در قران یافت که محور اصلی تعریف هر سه اندیشمند است. از این‌رو نمی‌توان در این زمینه دیدگاه ایشان را با قران ناسازگار دانست.

درباره علت مالکیت، بهشتی کار مولد تولیدی و خدماتی را علت دست اول مالکیت و مبادله، حیازت، بخشش و نقل و انتقال قهری را علت دست دوم مالکیت می‌داند که دیدگاه ایشان نسبت به دو متفکر دیگر شباهت و نزدیکی بیشتری با آیات قرآن دارد. صدر درکنار کار، عامل سیاسی جهادی، نیاز جامعه اسلامی و فعالیت تجاری با محور حفظ عدالت اجتماعی را نیز علت مالکیت می‌داند. مطهری کار را بسیار محدود و با قید (منع ارزش اضافی و مساله مالکیت ماشین‌آلات) علت پیرفته شده می‌داند. درحالی که در قرآن کریم کار بدون هر قیدی علت دست اول مالکیت دانسته شده است.

درباره انواع مالکیت، بهشتی و صدر هر دو مالکیت مختلط خصوصی و دولتی را می‌پذیرند، ولی در دسته‌بندی جزیی‌تر با هم اندکی اختلاف دارند. مطهری مالکیت خصوصی در کنار مالکیت اشتراکی و همگانی را می‌پذیرد. ولی قرآن تنها به دو نوع مالکیت خصوصی و همگانی اشاره می‌کند و در آن مالکیت اشتراکی و دولتی دیده نمی‌شود.

درباره حدود مالکیت، دیدگاه بهشتی این است که مالکیت خصوصی چه در سطح فردی و چه سطح گروهی هیچ مانع موجهی ندارد، مگر اینکه، حقوق دیگران در جامعه را ضایع کند یا سبب فساد در جامعه شود. صدر این حدود را محدود به منابع کلی شریعت و اصل شرافت ولی و مداخله دولت بیان می‌کند. مطهری مالکیت خصوصی را می‌پذیرد با محدودیت ممنوعیت بر کالاها و سرمایه‌های طبیعی و ماشین‌آلات که باید مالکیت همگانی و اشتراکی باشند. درصورتی که قرآن آزادی و اجازه فعالیت‌های اقتصادی کامل به انسان داده است و مالکیت خصوصی، غیراز استثناهای مشخص شده در قرآن به‌صورت کامل پذیرفته شده است.

درباره اختیارات دولت، هر سه متفکر، نقش و مالکیت دولتی را می‌پذیرند و با موضوع‌های مختلفی مانند قیمت‌گذاری عادلانه، گسترش تأمین اجتماعی، توازن اجتماعی، سیاستگذاری در جهت اهداف نظام، وضع مالیات و اداره انفال، مالکیت دولتی را می‌پذیرند. ولی در قرآن تنها دارایی‌های همگانی مطرح شده است که می‌تواند اداره آن در دست حاکم باشد تا در راستای مشخص شده هزینه شود. در این مالکیت همگانی دولت مدیریت اداره این اموال را بر عهده دارد،

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

ولی حقوق مالکیت را ندارد، یعنی در قرآن مالکیت دولتی مطرح نشده است، تنها دو مالکیت خصوصی و همگانی پذیرفته شده است.

براین پایه هر سه اندیشمند دیدگاه خود را با عنوان دیدگاه اسلام مطرح کرده‌اند که در ابعادی از آن دیدگاه‌های متفاوتی دارند. می‌توان گفت که اگر بخواهیم هر مساله را از نگاه اسلام مطرح کنیم، بهتر است مستقیم از طریق قرآن و با مراجعه به آن این بررسی صورت بگیرد. توصیه مهم دیگر این است که باید پذیرفت که نباید دیدگاه هر اندیشمند مسلمان را به اسلام نسبت داد. درباره هر مساله از جمله مالکیت، قرآن بر دیدگاه اندیشمندان مسلمان مقدم است و تنها اگر دیدگاه آنها با قران هماهنگ بود ممکن است بتوان بر آن قید اسلامی داد.، چنانچه نقل است که پیامبر اکرم فرمود[۱]: هرگاه حدیثی از من به شما برسد آن را به کتاب خداوند عرضه کنید، آنچه از دل آن موافق قرآن بود بپذیرید و آنچه مخالف بود، به دیوارش بکوبید.

براین پایه به این نتایج می‌رسیم که:

۱. بخش قابل توجهی از دیدگاه این اندیشمندان شخصی است که به اسلام نسبت داده شده است، چون با قران سازگار نیست.

۲. در همه قرآن مالکیت خصوصی تایید شده است. در استثناها که مالکیت خصوصی رد است، در قرآن با عنوان محدودیت مالکیت بیان نشده، بلکه حکم حرمت یا غیراخلاقی بودن یک عمل دیگر است که نتیجه آن مردود دانسته شده است. گاهی نیز برای حفظ مالکیت خصوصی اختیاراتی از مالک سلب شده است، مانند اختیار یتیم، صغیر و سفیه.

۳. در قرآن مالکیت همگانی برای برخی دارایی‌ها تایید شده است، ولی در هیچ جای قرآن مالکیت دولتی مطرح نشده است. یعنی در نهایت مالکیت باید به شخص حقیقی تعلق بگیرد. دولت تنها مدیریت دارایی‌های همگانی را برعهده می‌گیرد.

۱- اذجاء کم عنی حدیث فاعرضو علی کتاب الله تعالی فما و افق کتاب الله فاتبلوه و ما خالفه فاضربوا به عرض الحائط – فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی، تهران، مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ ق، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، چاپ اول.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

منابع

۱. احمدی‌میانجی، علی(۱۳۸۲). مالکیت خصوصی در اسلام، تهران: دادگستر.

۲. اعتصامی، منصور (۱۳۷۳). مالکیت تجاری در اسلام، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

۳. بهشتی، سیدمحمدحسین (بی‌تا) سلسله درس‌های اسلامی، ۱ مساله مالکیت، انتشارات سیدجمال با همکاری واحد ایدئولوژی روزنامه جمهوری اسلامی.

۴. بهشتی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۲). اقتصاد اسلامی، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.

۵. بهشتی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۷). بانکداری، ربا و قوانین مالی اسلام، چاپ دوم، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیت‌الله دکتر بهشتی.

۶. بهشتی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰). آزادی، هرج و مرج، زورمداری، بنیاد نشر آثار اندیشه‌های آیت‌الله دکتر بهشتی.

۷. بیات، اسدالله (۱۳۶۹). نظام اقتصادی اسلام، تهران: مولف.

۸. پورابراهیم، شیرین، ابراهیمی، ابراهیم و زهرا مواظبی (۱۴۰۱). معناشناسی رابطه مالکیت در قرآن کریم، *فصلنامه پژوهش‌های ادبی قرآنی*، ۱۰(۲) (پیاپی ۳۸)، صص ۷۵-۵۱.

۹. تسخیری، محمدعلی (۱۳۶۸). درس‌هایی از اقتصاد اسلامی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

۱۰. خان، محمدمعین‌الدین و ام. اچ. سعید (۱۳۹۴). مالکیت و مشارکت در اسلام، مترجم: احمد شعبانی و محمدمهدی نجفی علمی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

۱۱. خامنه‌ای، سید محمد (۱۳۷۵). مالکیت عمومی، تهران: علمی و فرهنگی.

۱۲. دهش‌ور، مسعود، محمود مقدسی و حمیدرضا شیرازی (۱۳۶۶). طرح و مبانی اقتصاد در قرآن، چاپ اول.

۱۳. دادگر، یدالله (۱۳۷۸). نظام سرمایه‌داری از زبان اقتصاددانان سرمایه داری، کتاب نقد، شماره ۱۱، صص ۱۷۳-۱۴۶.

۱۴. دادگر، یدالله و سیدمحمدباقر نجفی (۱۳۸۰). مبانی فقهی پیشرفته اقتصاد اسلامی (تحلیل و تلخیص کتاب اقتصادنا)، ناشر نجبا، چاپ اول.

۱۵. زمانی، محسن (۱۳۸۰). به سوی یک تئوری در حقوق مالکیت، *فصلنامه تأمین اجتماعی*، دوره ۳ (پیاپی ۱۰)، صص ۷۳۰-۷۱۵.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

۱۶. زمانی، محسن، رحیم دلالی اصفهانی و علی‌حسین صمدی (۱۳۸۹). مفهوم و آثار حقوق مالکیت: رویکرد نهادگرایی، *فصلنامه حقوق*، ۴۰(۱۰۱).
۱۷. سبحانی، حسن (۱۳۷۳). نظام اقتصادی اسلام، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۸. صدر، محمد باقر (۱۳۵۷). اقتصاد ما، جلد ۲، مترجم ع اسپهبدی، تهران: اسلامی.
۱۹. صدر، محمدباقر (۱۳۸۶). تأملی بر اقتصاد اسلامی، پگاه حوزه، شماره ۲۰۵.
۲۰. صدر، محمدباقر (۱۳۵۹). طرح گسترده اقتصاد اسلامی، ترجمه فخرالدین شوشتری، تهران: بدر.
۲۱. صمدی، علی‌حسین (۱۳۸۹) جایگاه حقوق مالکیت در اندیشه و مکاتب اقتصادی، *فصلنامه حقوق*، ۴۰(۳).
۲۲. طالقانی، سیدمحمود (۱۳۴۴). اسلام و مالکیت در مقایسه با نظام‌های اقتصادی غرب، چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۳. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۹). اصول فلسفه و روش رئالیسم، ۵ ج، چاپ چهاردهم، تهران: صدرا.
۲۴. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۳). ترجمه تفسیرالمیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ اول، قم: انتشارات اسلامی. پایگاه جامع قرآنی: ترجمه و تفسیرالمیزان، quran.inorr.ir
۲۵. فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۳). اندیشه اقتصادی شهید مطهری، ملتبسات، شماره ۳۰ و ۳۱.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۰). نظری به نظام اقتصاد اسلامی، چاپ دوم، انتشارات صدرا.
۲۷. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). مجموعه آثار شهید مطهری، جلد ۲۰، انتشارات صدرا.
۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، ج ۳، چاپ ششم، تهران: صدرا.
۲۹. موسوی اصفهانی، سیدجماالدین (۱۳۶۸). ملاحظاتی پیرامون پیام‌های اقتصادی قرآن، چاپ اول، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۰. میرمعزی، سید حسین (۱۳۹۰). نظام اقتصادی اسلام، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۱. نادری شاهی، علی، الیاس نادران و حمید ابریشمی (۱۴۰۲). مالکیت در قرآن با رویکرد بسته‌های حقوق مالکیت و براساس تفسیر المیزان، *اقتصاد اسلامی*، ۲۳(۸۹).
۳۲. نمازی، حسین (۱۳۷۴). نظام‌های اقتصادی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

۳۳. هادوی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۸۲). مبانی نظری ساختار مالکیت از دیدگاه قرآن، *اقتصاد اسلامی*، ۳(۱۲).

۳۴. هیود، اندرود (۱۳۹۰). درآمدی بر ایدئولوژی سیاسی از لیبرالیسم تا بنیادگرایی دینی، ترجمه محمد رفیعی، چاپ پنجم، انتشارات وزارت امور خارجه.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]